

سناریوهای جایگاه آینده یمن در معادلات منطقه غرب آسیا با تأکید بر عدم قطعیت‌های بحرانی

اکبر غفوری^۱
محمدجواد فتیحی^۲
ایوب نیکونهاد^۳

چکیده

تهاجم ائتلاف عربی - غربی با محوریت عربستان سعودی صحنه یمن را به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه غرب آسیا تبدیل کرده است. فرجام نهایی بحران یمن علاوه بر اینکه در ترسیم نظم امنیتی در آینده منطقه غرب آسیا تأثیر بسزایی می‌گذارد، جایگاه این کشور را در معادلات آینده منطقه مشخص خواهد ساخت. مشخصه اصلی این بحران تعدد کنشگران دخیل و تعارض مطالبات ذی‌نفعان است. با توجه به جایگاه استراتژیک و راهبردی یمن در سیاست منطقه و جهان و در اختیار داشتن تنگه باب‌المندب، هر کدام از بازیگران در تلاش هستند تا جهت تحولات یمن را به سمت‌وسوی سناریوهای مطلوب خود سوق دهند. در واقع هر کدام از بازیگران تأثیرگذار در یمن بر اساس منافع و ارزش‌های خود، وضعیتی را مطلوب قلمداد کرده که می‌تواند برای کنشگر مقابل یک سناریوی نامطلوب و تهدیدکننده خوانش شود. پژوهش حاضر بر اساس روش عدم قطعیت‌های بحرانی و پنل خبرگانی، درصدد پاسخ به این سؤال است: چه سناریوهایی را می‌توان برای جایگاه یمن در آینده معادلات منطقه غرب آسیا ترسیم کرد؟ پس از شناسایی عدم قطعیت‌ها بر اساس نظرات خبرگان، از برهمکنش آن‌ها نیز چهار سناریوی انزوای یمن در معادلات منطقه‌ای، اتحاد با جبهه شرقی - اسلامی (ارتقای جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای)، اتحاد با جبهه سلفی - غربی (یمن ضعیف شده و تحت قیمومیت) و یمن قدرتمند (مستقل از مداخله کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، کشور یمن، جمهوری اسلامی ایران، عربستان، سناریونویسی، عدم قطعیت بحرانی.

Email: a.ghafoori@yazd.ac.ir
Email: f.mjavad@yahoo.com

Email: anikunahad@gmail.com

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی
انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)
۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی
انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

مقدمه

منطقه غرب آسیا از دیرباز به علت اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی که داشته است تحت مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد. این مسئله به موازات تنش‌ها و رقابت‌های درون‌گفتمانی سبب شکل‌گیری بحران‌های متعددی در این منطقه شده است. در همین راستا، بحران یمن هم یکی از این بحران‌های پیچیده و در عین حال سرنوشت‌سازی است که آینده آن می‌تواند رقابت‌های گفتمانی و آینده منازعات ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا را تحت تأثیر خود قرار دهد. به جهت درک همین ظرافت‌ها و حساسیت‌ها است که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متعددی، با توجه به منافع که در شرایط کنونی و وضعیت‌های فراروی آینده بحران طرح و ترسیم کرده‌اند، به نحو مستقیم و غیرمستقیم به کنشگری می‌پردازند. با توجه به اینکه جایگاه آینده یمن بر سیاست خارجی کشورهای منطقه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران تأثیر بسزایی دارد، بنابراین به منظور جلوگیری از غافلگیری احتمالی و کمک منطقی به سیاستگذاری‌های اصولی، آینده‌پژوهی عمیق در خصوص یمن و سناریوهایی که در خصوص جایگاه این کشور می‌توان ترسیم کرد، از ضرورت راهبردی برخوردار است. یکی از مؤلفه‌های اصلی پاسخگویی به این پرسش، تبیین و بررسی جایگاه استراتژیکی یمن در معادلات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی و گفتمانی خواهد بود که برای بازیگران مختلف در این منطقه اهمیت دارد. آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه را باید در لوای مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بر این کشور مورد بررسی قرار داد؛ چراکه در صورت همگرایی فکری و عملیاتی میان جریان‌های داخلی یا بیشتر شدن شکاف‌های عقیدتی و منفعتی بین آن‌ها از یک‌جانب و همچنین مقاومت جریان‌های داخلی در مقابل توطئه‌ها و مطامع توسعه‌طلبانه بازیگران مداخله‌گر در مقیاس منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر عربستان، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و آمریکا یا تسلیم در برابر آن‌ها و در نهایت تشکیل نظامی بر اساس الگوی اسلامی و مقاومت یا تأسیس نظام منبث از الگوهای سلفی، غربی یا عبری، آینده جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای فرق می‌کند. هرکدام از پیشران‌های تأثیرگذار در یمن بر اساس منافع و ارزش‌های خود وضعیتی را مطلوب قلمداد کرده که همان می‌تواند برای کنشگر مقابل یک سناریوی نامطلوب و تهدیدکننده خوانش شود. پژوهش پیش‌روی درصدد پاسخ به این سؤال است که چه سناریوهایی را می‌توان برای جایگاه یمن در آینده معادلات منطقه غرب آسیا متصور بود؟ به منظور پاسخگویی بهتر به سؤال اصلی فوق، برخی سؤال‌های فرعی نیز مطرح شده است. از جمله اینکه، عدم قطعیت‌های اصلی بحران یمن کدام‌اند؟ اهداف اصلی عربستان سعودی از تجاوز به یمن چیست؟ این پژوهش هم‌زمان با مذاقه و

امعان نظر نگارندگان پیرامون مسئله اصلی، از نظرات خبرگان و کارشناسان مسائل غرب آسیا و به‌ویژه یمن بهره گرفته است.

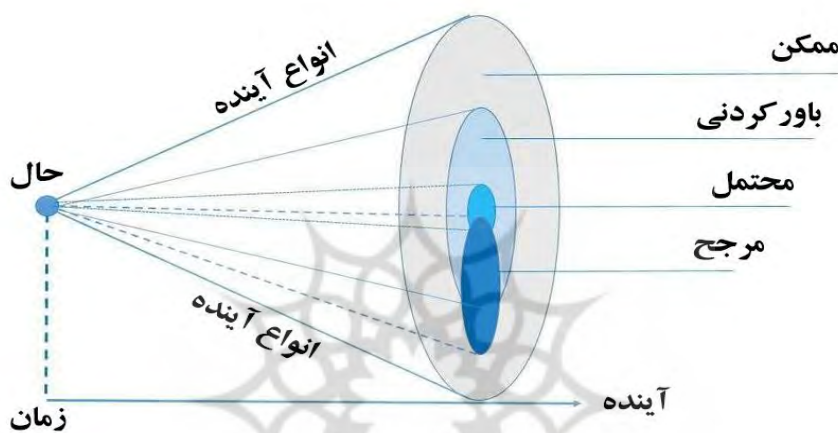
۱- چارچوب مفهومی پژوهش؛ آینده‌پژوهی

از زمان‌های بسیار قدیم انسان‌ها شیفته پیش‌بینی آینده - به‌عنوان بازه زمانی که انسان به‌صورت ملموس و عینی قادر به ارتباط‌گیری با آن نیست- و تلاش برای شناخت و شکل‌دهی پیش‌دستانه به روند تحولات آینده در جهت منافع خود بوده‌اند. عدم ایستایی و سیال بودن زمان، انسان را با دوگانه‌ای از بیم و امید در خصوص آینده مواجه ساخته است. همین مسئله باعث گردیده تا انسان تأمل پیرامون زمان فرا نرسیده که تغییر و تحولات زیادی را در قالب فرصت‌ها و تهدیدها برای وی به دنبال دارد را به‌مثابه رویکردی مفید و مطلوب قلمداد کنند. ادبیات دوران باستان حاوی شواهد زیادی است که یونانیان، رومیان و همچنین فرهنگ‌های دیگر آینده‌اندیشی را مهم می‌دانستند. تا اواخر قرون وسطی، تلاش جهت کسب اطلاعات در مورد آینده عمدتاً محصول گمانه‌زنی‌ها بود. طی این دوره مردم به‌طور خاص به دنبال پیش‌بینی پدیده‌های طبیعی مانند دوره‌های پدیدار شدن آفتاب، باران یا طوفان بودند، اما پیش‌بینی‌های مربوط به وقایع اقتصادی، فناوری، نظامی و سیاسی نیز مشهور بود. مردم به وضوح اعتقاد داشتند که اطلاع از وقایع آینده ضمن بسترسازی برای تأثیرگذاری بر آینده و همچنین پیشبرد اهداف مطلوب به آن‌ها مزیت‌های عملی فراوان دیگری می‌بخشد. (Kreibich and others, 2011:2)

طی قرون پیشین روش‌های مختلفی از جمله رجوع به رمال‌ها، فال‌گیری و طالع‌بینی به منظور کسب اطلاع و گمانه‌زنی در خصوص آینده مورد وثوق قرار می‌گرفت؛ اما به‌تدریج به منظور برخورد آگاهانه و هوشمندانه با آینده روش‌های علمی‌تر و دقیق‌تری مطرح شده است. از این منظرگاه، آینده‌پژوهی در چندین دهه اخیر با طرح روش‌های متعدد قادر گشته به‌عنوان یک حوزه علمی اجتناب‌ناپذیر، اهمیت خود را نهادینه سازد. به باور وندل بل^۱ آینده‌پژوهی به دنبال مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح یا مطلوب است. آینده‌پژوهی^۲ انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده فراروی افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آن‌ها کمک می‌کند. (bell, 2003:73)

1. Wendell Bell
2. Future Studies

سهیل عنایت‌الله^۱ آینده‌پژوهی را مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل، مرجح و دیدگاه‌ها، جهان‌بینی و اسطوره‌های بنیادین هر آینده می‌داند. (Inayatullah, 2013:37) در آینده‌پژوهی ما با یک آینده منفرد مواجه نیستیم؛ بلکه با طیف متنوعی از آینده‌ها روبه‌رو هستیم که جهت کسب نتایج مثبت و حداکثری باید به صورت هم‌زمان آن‌ها را مدنظر قرار داد. مدل ذیل نشانگر انواع آینده مدنظر آینده‌پژوهان است.



Source: https://www.researchgate.net/figure/The-futures-cone-classification-of-future-scenarios-Adapted-from-Voros-2003_fig7_32285380

در آینده‌پژوهی، هدف ساختن آینده به شیوه‌ای آگاهانه و پیش‌دستانه است. پیتر دراکر^۲ در خصوص آینده‌پژوهی می‌گوید: «بهترین روش برای پیش‌بینی آینده، ساختن آن است.» (طیبی، ۱۳۹۶) حال این سؤال مهم مطرح می‌شود که چگونه باید آینده‌پژوهی کرد؟ در پاسخ باید گفت هر علمی جهت نائل آمدن به نتایج موردنظر خود، استفاده از برخی اهرم‌ها و ابزارها را در دستور کار قرار می‌دهد. مهم‌ترین ابزار آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از روش‌های متنوع و چندگانه است. سناریوپردازی یکی از شیوه‌های متداول و روش‌های پایه‌ای آینده‌پژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویر باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند. وندل بل بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند. (بل، ۲۰۰۳: ۳۱۷) سناریو پیش‌گویی آینده نیستند؛ چراکه

1. Sohail Inayatullah
2. Peter Drucker

عملاً پیش‌گویی قطعی و کامل آینده ممکن نیست. در عوض سناریوها وسیله‌ای جهت کمک به یادگیری بیشتر نخبگان سیاسی، سازمان‌ها و افراد هستند. برخلاف پیش‌بینی‌های سنتی در دنیای کسب و کار و تحقیقات بازار، سناریوها تصاویر بدیلی ارائه می‌دهند و ذی‌نفعان را با گزینه‌های متعددی جهت تصمیم‌سازی بهتر مواجه می‌سازند. همچنین باید توجه داشت که سناریو فقط روندهای حال حاضر را برون‌یابی نمی‌کنند. (شوارتز، ۱۳۹۰: ۸) بلکه محوریت با تأمل پیرامون مسائل آینده است.

سناریو پاسخ مناسبی به این سؤال است که چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟ یا چه اتفاقی می‌افتاد اگر؟ به تعبیری دیگر، می‌توان سؤالاتی از این دست مطرح نمود که در آینده چه وضعیت‌های احتمالی ممکن است، پدیدار شوند؟ اقدام مناسب هر کدام از این وضعیت‌ها چیست یا به سخنی دیگر، در صورت پدیدار شدن چنین وضعیت‌هایی چه کاری می‌توانیم و باید انجام بدهیم و اساساً چه کاری انجام بدهیم که احتمالات مطلوب‌تری برای ما اتفاق بیفتد؟ و همچنین کنش یا واکنش ما چه پیامدی‌هایی به دنبال خواهد داشت؟ سناریوها از جهتی شامل تصاویری از آینده‌های محتمل هستند که هدف از به‌کارگیری آن‌ها، مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. سناریونویسی فضایی است که فرد، سازمان و کشور را از وضعیت حال به وضعیت مطلوب می‌رساند. بدین منظور سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها به حدس و گمان در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند، بلکه به ما کمک می‌کنند چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده بیندیشیم و درست به تصمیم‌گیری و مدیریت امور بپردازیم. (هراتی، ۱۳۹۱: ۲۳۸)

سناریوهای خوب دارای مشخصه‌هایی هستند؛ به این صورت که قابل باورند، ارتباط با حوادث گذشته و حال، چالش‌برانگیز بودن، مرتبط بودن با تصمیم‌ها و عدم قطعیت‌های سازمانی و سازگاری درونی و به بیانی عدم تضاد مطالب؛ و مهم‌تر از همه اینکه سناریوی خوب، سناریویی است که پس از به چالش کشیدن تفکر نسبت به آینده، مدیران سازمان را به سمت پرسیدن سؤال درست رهنمون می‌کند. (bell, 2003: 245) جهت اینکه یک سناریو مؤثر باشد و در سطح وسیع مورد پذیرش قرار بگیرد باید به‌عنوان یک مدل و نمونه، با واقعیت بیرونی یا جهان واقع پیوند تنگاتنگی داشته باشد.

1. To Be Effective and Widely Accepted

تا به امروز پروژه‌های سناریونگاری بسیاری در کل دنیا و با رویه‌های متفاوتی انجام شده است. برای نوشتن سناریوها شیوه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک از این شیوه‌ها گام‌ها و مراحل مختلفی را جهت نگارش سناریوها طی می‌کنند. مراحل مختلف نگارش سناریوها ناشی از دیدگاه‌های مختلف به سناریونگاری، اهداف موردنظر در سناریونگاری، رویکرد مورد استفاده و مشارکت‌کنندگان در فرآیند سناریونگاری است. بر این اساس، یکی از اندیشمندان این زمینه به نام پیتر شوارتز؛ مدل‌های مختلفی را برای سناریونویسی مطرح می‌کند که به مدل یا رویکرد هفت‌گانه پیتر شوارتز شهرت یافته‌اند و برای هر کدام از رویکردها گام‌هایی را مشخص کرده است. (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷) یکی از این رویکردها، رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی است. برخی این رویکرد را زیرمجموعه منطق شهودی یا کشف از راه دل می‌دانند. روش‌های موجود در این رویکرد با تهیه فهرست متغیرها و روندهای مربوط به آینده، فرآیند سناریونگاری را شروع می‌کنند. سپس فهرست تهیه‌شده به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شود:

الف. روندها و متغیرهایی که بر موضوع موردنظر تأثیر قطعی ندارند.

ب. متغیرهایی که تداوم تأثیرات آن‌ها بر روی موضوع موردنظر تا حدود زیادی قطعی است.

پ. روندها و متغیرهایی که تأثیرات آن‌ها نامشخص بوده و با عدم قطعیت بیان می‌شوند.

در این رویکرد، روندها و متغیرهای نامشخص و با عدم قطعیت نیز به دو گروه تقسیم‌بندی می‌شوند: روندها و متغیرهایی با تأثیرات بسیار بالا و روندها و متغیرهای با تأثیرات کم. میزان پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده را عدم قطعیت می‌گویند. (منزوی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

در روش عدم قطعیت، مسئله اصلی آینده‌پژوهی دیگر پیش‌بینی آینده نیست؛ بلکه کسب آمادگی برای آینده‌ها و پیش‌تدبیری جهت شکل‌دادن به آینده‌های مطلوب است. آینده‌پژوه با شناخت عدم قطعیت‌ها و پیش‌ران‌هایی که این عدم قطعیت‌ها را شکل می‌دهند، سناریوهایی را برای آینده ترسیم می‌کند و به تصمیم‌گیران می‌آموزد که در فضای عدم قطعیت‌ها، سناریوهایی را تدوین نموده و به‌جای حذف آینده‌های بدیل، آمادگی خود را برای مواجهه با این سناریوها و شکل‌دادن به آینده‌های مطلوب افزایش دهند. (سیاح واسدی، ۱۳۹۴: ۲۲)

۲- روش‌شناسی پژوهش

با توجه به امکان دسته‌بندی روندهای شکل‌دهنده به آینده بحران یمن بر اساس سه گروه یاد شده بالا و انتخاب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار غیرقطعی در این مسئله، به نظر می‌رسد که رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی، رهیافتی مطلوب برای ترسیم سناریوهای جایگاه آینده یمن در معادلات

منطقه‌ای باشد. با این وجود به منظور قوام‌بخشی به رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی بایستی به‌صورت هم‌زمان از روش‌های کمی و کیفی بهره گرفت. در بخش کیفی مطالعات کتابخانه‌ای و رجوع به اسناد، مدارک، کتاب‌ها و مقالات محوریت قرار گرفته است، در بخش کمی نیز از پرسش‌نامه دلفی استفاده شده است. بدین منظور جهت شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی بر اساس روندهای موجود و مطالعات کیفی صورت گرفته پیرامون بحران یمن، در مرحله اول بر اساس پرسشنامه دلفی و از نوع نیمه‌ساختار یافته آن از تعداد پنج نفر از خبرگان دانشگاهی با مدرک دکتری تخصصی که پژوهش‌هایی در خصوص بحران یمن به نگارش درآورده بودند، در قالب پرسش‌نامه اول و طی یک سؤال خواسته شد تا عدم قطعیت‌های آینده بحران یمن را مشخص نمایند. پس از دریافت نظرات خبرگان و ادغام نظرات آن‌ها در دور دوم دلفی با ارجاع و اطلاع از نظرات سایر خبرگان از آن‌ها خواسته شد تا عدم قطعیت‌های بحرانی شکل‌دهنده به بحران یمن را اصلاح نمایند که در این میان تعداد شش عدم قطعیت در این خصوص شناسایی گردید. جدول ذیل نشانگر عدم قطعیت‌های محوری پژوهش است.

جدول شماره ۱: عدم قطعیت‌های بحرانی آینده یمن	
ردیف	مؤلفه‌ها
۱	بازگشت دولت مستعفی و فراری منصور هادی به قدرت
۲	تسلط القاعده و سلفی‌های تکفیری بر یمن
۳	امتداد جنگ داخلی و تجزیه یمن
۴	پیروزی ائتلاف عربی - غربی با محوریت عربستان
۵	پیروزی انصارالله و کمیته‌های انقلابی یمن
۶	دخالت شورای امنیت سازمان ملل و آتش‌بس

در مرحله دوم گردآوری داده‌ها پس از کسب پایایی و روایی عدم قطعیت‌ها توسط خبرگان صاحب‌نظر در منطقه غرب آسیا، و اجماع‌نظر آن‌ها در خصوص عدم قطعیت‌ها، پرسشنامه‌ای دیگر بر اساس دو شاخص اجماع و اهمیت عدم قطعیت‌ها تهیه و به تعداد ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی صاحب‌نظر (۵ نفر شرکت‌کننده در پرسشنامه دلفی اولیه و پنج نفر با مدرک دکتری آینده‌پژوهی) ارسال گردید. در پرسشنامه طراحی شده بدین منظور، عدم قطعیت‌ها در قالب دو سؤال به‌صورت دوگانه و با توصیف دو حالت احتمالی از آینده مسئله موردنظر تهیه شد. (جدول شماره ۲) از خبرگان خواسته شد تا میزان موافقت خود را با وقوع هر یک از دو وضعیت مدنظر درباره آینده

بحران و میزان اهمیت هر عدم قطعیت یادشده را اعلام نمایند. جدول ذیل نشانگر پرسشنامه خبرگانی تعیین عدم قطعیت‌های آینده یمن است.

جدول شماره ۲: پرسشنامه خبرگانی تعیین عدم قطعیت‌های آینده یمن										
میزان اهمیت هر متغیر و تغییرات آن در مسیر آینده بحران			با کدام حالت پرسش موافق هستید؟							پرسش
د	ج	ب	الف	د	ج	ب	الف	ب	الف	
هیچ	کم	متوسط	زیاد	نمی‌دانم	نمی‌توانم نظر صریحی بدهم	تا حدی با حالت دوم موافقم	شدیداً با حالت دوم موافقم	تا حدی با حالت اول موافقم	شدیداً با حالت اول موافقم	
										مثال: پیروزی انصارالله یا شکست آن

شاخص اجماع نشان‌دهنده این است که خبرگان تا چه حد بر موضوع مورد بحث اجماع و توافق دارند. هرچه شاخص اجماع به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده این است که درباره آن موضوع تشتت آراء وجود دارد و اجماعی بر یکی از آن دو حالت حدی وجود ندارد و بنابراین می‌توان گفت که متغیر مذکور همراه با عدم قطعیت است. شاخص اهمیت هم نشان‌دهنده این است که خبرگان تا چه میزان بر اهمیت مسئله در تغییرات آینده توافق نظر دارند. در شاخص اهمیت برخلاف شاخص اجماع، هرچه عدد بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده آن است که متغیر اثر بیشتری بر تحولات آینده در خصوص مسئله موردنظر پژوهش دارد. (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۰-۹۰) با در نظر گرفتن هر دو شاخص پراکندگی و اجماع در کنار هم، دقت در شناسایی عدم قطعیت بحرانی بالاتر می‌رود. برای به‌دست‌آوردن شاخص اجماع از فرمول زیر که در شناسایی عدم قطعیت‌ها کاربرد دارد، استفاده شده است.

جدول شماره ۳. فرمول محاسبه شاخص اجماع	
= شاخص اجماع	تعداد پاسخ‌ها به گزینه الف $\times 2$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه ب $\times 1$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه ج $\times (-2)$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه د $\times (-1)$
	تعداد کل پاسخ‌ها به گزینه‌های الف و ه

همچنین برای به‌دست‌آوردن شاخص میزان اهمیت هر متغیر و تغییرات آن در مسیر آینده بحران یمن، پس از به‌دست آوردن نظرات خبرگانی، از فرمول زیر استفاده شده است.

جدول شماره ۴. فرمول محاسبه شاخص اهمیت	
= شاخص اهمیت	تعداد پاسخ‌ها به گزینه زیاد $\times 100$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه متوسط $\times 50$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه کم $\times 25$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه هیچ $\times 0$
	تعداد کل پاسخ‌ها

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

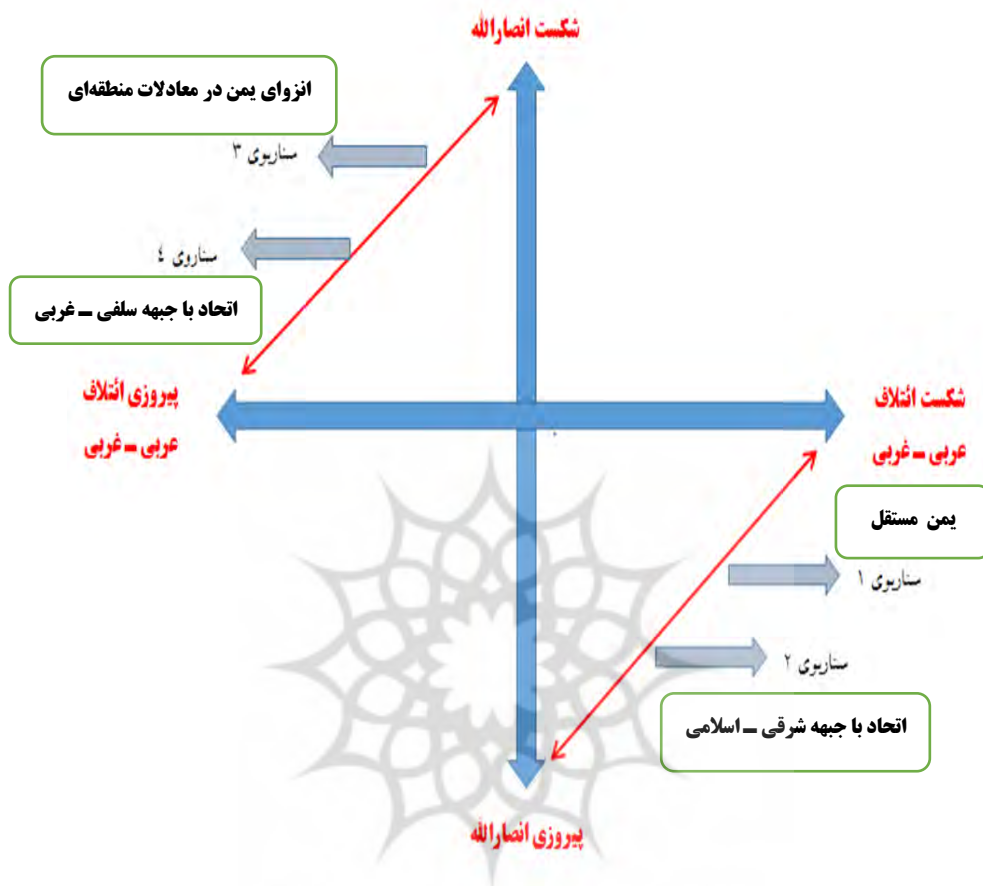
بر این اساس نتایج حاصل از تحلیل شاخص اجماع و شاخص اهمیت گزاره‌های پرسشنامه در جدول شماره ۳ ارائه شده و میزان اجماع و اهمیت نظرات خبرگانی در خصوص عدم قطعیت‌های مؤثر بر جایگاه آینده بحران یمن، نشان داده شده است.

جدول شماره ۵: تعیین عدم قطعیت‌ها با استفاده از شاخص‌های اجماع و اهمیت (یافته‌های نگارنده)		
شاخص اهمیت	شاخص اجماع	عدم قطعیت‌های آینده بحران یمن
۴۲/۵	۱۶/۸	عدم قطعیت ۱: بازگشت دولت مستعفی و فراری منصور هادی به قدرت یا عدم بازگشت دولت مستعفی
۵۲/۵	۸/۱	عدم قطعیت ۲: تسلط القاعده و سلفی‌های تکفیری بر یمن یا عدم تسلط القاعده و سلفی‌های تکفیری
۷۲/۵	۰/۸	عدم قطعیت ۳: امتداد جنگ داخلی و تجزیه یمن یا عدم امتداد جنگ داخلی یمن
۸۰	۰/۳	عدم قطعیت ۴: پیروزی ائتلاف عربی - غربی با محوریت عربستان یا شکست ائتلاف عربی - غربی

۸۲/۵	۰/۵	عدم قطعیت ۵: پیروزی انصارالله و کمیته‌های انقلابی یمن یا شکست انصارالله یا کمیته‌های انقلابی یمن
۷۵	۶/۲	عدم قطعیت ۶: دخالت شورای امنیت سازمان ملل و آتش‌بس یا عدم دخالت شورای امنیت

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ برای شناخت عدم قطعیت‌ها از طریق شاخص اجماع، همان‌گونه که مشاهده می‌شود برای عدم قطعیت شماره ۴ (پیروزی ائتلاف عربی- غربی با محوریت عربستان یا شکست آن)، شاخص اجماع خبرگانی برابر با ۰/۳ و برای عدم قطعیت شماره ۵ (پیروزی انصارالله یا شکست انصارالله) شاخص اجماع برابر با ۰/۵ بوده است. همچنین عدم قطعیت شماره ۶ (دخالت شورای امنیت سازمان ملل یا عدم دخالت آن)، از نظر خبرگانی در شاخص اجماع برابر با ۶/۲ درصد بوده است. با توجه به اینکه این سه عدم قطعیت از نظر خبرگان در شاخص اجماع حائز نزدیک‌ترین نمره به صفر بوده‌اند، لذا به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی انتخاب شده توسط شاخص اجماع در نظر گرفته می‌شوند. همچنین برای شناخت عدم قطعیت‌ها از طریق شاخص اهمیت، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که عدم قطعیت‌های شماره ۴ و عدم قطعیت شماره ۵ مجدداً حائز بیشترین نمره از نظر این شاخص گردیده‌اند؛ اما عدم قطعیت شماره ۶ (دخالت شورای امنیت سازمان ملل یا عدم دخالت آن در بحران) از نظر شاخص اهمیت دارای فاصله معناداری با دو عدم قطعیت انتخاب شده توسط خبرگان است و بنابراین در انتخاب نهایی عدم قطعیت‌های بحرانی بحران یمن، کنار گذاشته می‌شود.

در نهایت با انتخاب دو عدم قطعیت یادشده و تصور حالت مخالف آن، می‌توان برای نمایش، عدم قطعیت‌ها را به صورت شکل شماره ۴ نشان داد. در روش عدم قطعیت‌های بحرانی پس از شناسایی نهایی عدم قطعیت‌ها از برهمکنش دو عدم قطعیت بحرانی که در تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند محتمل‌ترین حالت برای انتخاب سناریوها در نظر گرفته می‌شود. در واقع، از میان احتمالات متعددی که می‌توان در خصوص یک مسئله شناسایی کرد بنا بر سنخیت موضوع و ارتباط منطقی آن با عدم قطعیت‌ها سناریوها طراحی می‌گردند. به جهت جلوگیری از تسلسل چرخه سناریویی سعی می‌گردد سناریوهای مطلوب با عدم قطعیت بالا در هر یک از حالات عدم قطعیت بحرانی به‌عنوان سناریوی اصلی مطرح و بررسی گردند.



شکل شماره ۱. شکل عدم قطعیت‌های بحرانی یمن (منبع: نگارندگان)

۴- یمن و موقعیت راهبردی آن

یمن کشوری با تاریخ کهن و جغرافیای ویژه در شبه‌جزیره عربستان است. موقعیت جغرافیایی آن پیونددهنده دریای سرخ و اقیانوس هند از طریق تنگه باب‌المندب است و همچنین همسایگی آن با عربستان و شاخ آفریقا، از گذشته‌های دور این کشور را در کانون توجهات و نفوذ قرار داد و جنگ‌ها و بحران‌های زیادی را به آن تحمیل کرده است. در طول قرن بیستم، یمن سال‌های زیادی را درگیر بحران‌هایی نظیر استعمار، استقلال، تکه‌تکه شدن، اتحاد، جنگ داخلی، جنگ با همسایگان و جدایی‌طلبی بوده است و تا به اکنون که نزدیک به دو دهه از قرن بیست‌ویکم گذشته است، این وضعیت ادامه دارد. (مختاری و شمس، ۱۳۹۶: ۱۶۶) وجود تنگه‌ها، بنادر و جزایر

مهم، بر ارزش استراتژیک این کشور افزوده است. تنگه باب‌المنذب^۱ که دریای سرخ را از اقیانوس هند جدا می‌کند، یکی از تنگه‌های راهبردی جهان است. این تنگه علاوه بر آنکه نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب است، یک گلوگاه راهبردی مهم برای تجارت دریایی بین‌المللی و کشتیرانی و نیز انتقال انرژی است. اهمیت آن به اندازه اهمیت کانال سوئز برای کشتیرانی دریایی و تجارت دریایی بین آفریقا، آسیا و اروپاست. (آقایی و درج، ۱۳۹۶: ۴۵)

چشم‌انداز این تنگه راهبردی در افق پیش‌رو که مسائل ژئواکونومیک اهمیت بیش از پیش می‌یابند، برجسته‌تر خواهد شد. (fazal and anshu, 2018:2) تنگه باب‌المنذب فقط نقطه اتصال ژئوپلیتیکی نیست؛ بلکه چنانچه به موضوع تنش بین کشورها تبدیل شود، تسلط بر آن به‌مثابه برگ برنده خواهد بود. از همین‌رو، مسدود شدن این تنگه مانع رسیدن نفت‌کش‌ها از کشورهای حوزه خلیج فارس به کانال سوئز و انتقال نفت از دریای سرخ به مدیترانه و بازارهای اروپایی و آمریکایی خواهد شد.

بندر عدن^۲ نیز از زمره بنادری است که موقعیت ژئواستراتژیکی یمن را بیش از پیش برجسته ساخته است. با توجه به نقش مهم بندر عدن در بازرگانی و تردد شمار زیادی از بازرگانان از مناطق مختلف، این بندر را جبل‌الطارق دریای سرخ یا عین‌الیمین خوانده‌اند. بندر عدن مکان مناسبی برای لنگر گرفتن کشتی‌های تجاری است. شکل بندر به‌گونه‌ای است که کشتی‌ها را در برابر طوفان‌ها و امواج ویرانگر محافظت می‌کند. همچنین عمق مناسب خلیج عدن به کشتی‌ها فرصت می‌دهد که به آسانی در ساحل لنگر اندازند. (سپهری و فیروزجائی، ۱۳۹۵: ۵۱) در شرایط کنونی بندر عدن اهمیت حیاتی خود را حفظ نموده و باعث رونق اقتصادی هرچند اندک در این کشور گردیده است. با اینکه کشور یمن مالکیت جزایر زیادی را در اختیار دارد، اما جزیره میون را می‌توان یکی از برجسته‌ترین آن‌ها قلمداد کرد. جزیره میون که به انگلیسی پریم^۳ نامیده می‌شود در ورودی تنگه راهبردی و بسیار مهم باب‌المنذب یمن قرار دارد. (groucutt and petraglia, 2012:116)

مساحت این جزیره ۱۳ کیلومتر مربع است و دروازه جنوبی دریای سرخ و کانال سوئز شمرده می‌شود. بالغ بر ۴۵ درصد نفت جهان از کانال سوئز عبور می‌کند. جزیره میون علاوه بر اهمیت اقتصادی و راهبردی دارای اهمیت نظامی نیز می‌باشد.

در نهایت، بندر مکلا^۴ را باید نام برد که دومین شهر بزرگ یمن جنوبی بعد از عدن است و موقعیت جغرافیایی آن بر اهمیت راهبردی این کشور افزوده است. شهر المکلا پایتخت استان

1. Bab Al-Mandab Strait
2. Port of Aden
3. Perim

حضر موت^۲ کنونی می‌باشد و دروازه ورودی به این استان است. این شهر در کرانه دریای عرب واقع شده و اهمیت اقتصادی و راهبردی ویژه‌ای برای یمن دارد. روی هم‌رفته اشراف بر خلیج استراتژیک عدن، دریای سرخ و تنگه باب‌المندب اهمیت کم‌نظیری به یمن داده است. نقشه ذیل نشان‌دهنده موقعیت سوق‌الجیشی یمن در منطقه غرب آسیا است.

نقشه شماره ۱. موقعیت جغرافیایی کشور یمن



Source: <https://fa.alalamtv.net/news/3723331,2020>

پس از تحولات جنبش بیداری در سال ۲۰۱۱ در یمن و تثبیت جایگاه جنبش حوثی‌های یمن از جنبش منطقه‌ای به یک جنبش ملی به نام انصارالله و گسترش فعالیت‌های آن به سراسر یمن، نظام علی‌عبدالله صالح در وضعیت ضعیفی قرار گرفته بود و مردم قبیله عمران با همراهی با انصارالله، آل احمر^۳ را از استان عمران بیرون و وفاداری خود را به انصارالله اعلام کردند. این تحول انصارالله را در یک قدمی صنعا قرار داده بود. هم‌زمان عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس، برای کنترل و مدیریت اوضاع سیاسی یمن طرح پیشنهاد خلیجی^۴ را مطرح کردند که بر

1. Port of Mukalla
2. Hadramout
3. Al-Ahmar
4. The Gulf Initiative

پایه آن قرار شد علی عبدالله صالح^۱ از ریاست جمهوری استعفا و عبدربه منصور هادی، معاون ریاست جمهوری به مدت دو سال جایگزین او شود و پس از برگزاری نشست گفت‌وگوی ملی، نقشه راه اصلاحات سیاسی اعلام شود تا بر پایه آن انتخابات برگزار و قدرت به منتخبین مردم واگذار شود. این طرح از سوی اکثریت احزاب یمن پذیرفته شد. (رویوران، ۱۳۹۷: ۷۳) به دنبال آن، منصور هادی در ۲۱ فوریه ۲۰۱۲ میلادی انتخاباتی فرمایشی برگزار کرد که تنها یک نامزد انتخاباتی داشت و نام خود را به ستاد برگزاری انتخابات اعلام کرد. این اقدام برخلاف اصل ۱۰۸ قانون اساسی یمن بود. دولت موقت منصور هادی که ابتدا برای یک دوره دوساله تعیین شده بود، طی دو سال اقدام خاصی برای گذار از دوران موقت انجام نداد و به ناچار این دوره موقت برای مدت یک سال دیگر تمدید شد که طی این یک سال نیز نه قانون اساسی جدید تدوین و نه زمینه برای برگزاری انتخابات مجلس فراهم شد. علاوه بر این، دولت موقت منصور هادی در ژوئن ۲۰۱۳ قیمت حامل‌های انرژی را افزایش داد که این اقدام با اعتراض گسترده مردم یمن، که در زمره فقیرترین مردم در خاورمیانه محسوب می‌شوند، مواجه شد. با این وجود، به دلیل دخالت شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان نهاد میانجی اعراب از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ میلادی، قرار شد منصور هادی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتقالی باشد تا در ۲۰۱۵ میلادی انتخابات برگزار شود. اما در ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ میلادی منصور هادی ناگهان استعفا کرد؛ این در حالی بود که طبق توافق منصور هادی در آن زمان سمتی نداشت و دوره ریاست‌جمهوری انتقالی وی از قبل منقضی شده بود. او به عمان و سپس عربستان فرار کرد و در ادامه جهت بازگشت به قدرت از ریاض درخواست کمک نمود. از این رو درخواست رئیس‌جمهوری دستاویزی برای عربستان شد تا به این کشور حمله نظامی کند. البته باید گفت از زمان تشکیل یمن در ۱۹۳۲ میلادی تاکنون، عربستان این کشور را به‌عنوان حیاط خلوت خود به حساب آورده و به‌صورت مکرر در امور داخلی آن دخالت کرده است (dinstein, 2017: 12) عربستان قیام مردم یمن را کودتا خواند و از حوثی‌ها خواست تا قدرت را به هادی برگردانند و مناطق ساحلی تحت اختیار خود را به دولت تحویل دهند. جنبش انصارالله این تهدید را قبول نکرد و از پارلمان خواست تا مصوبات نشست گفت‌وگوهای ملی را اجرا کند. ماهیت بحران یمن به علت موقعیت ژئوپلیتیکی آن و شرایط سیاسی بعد از بیداری اسلامی و تسلط انصارالله و کمیته‌های مردمی، به بحران فعلی یمن ماهیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی داده است.

۵- عدم قطعیت‌های آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای

در این فراز سعی می‌شود کنشگرانی تعریف و بررسی شوند که هم توانایی تعیین دستور کار را دارند و هم در خصوص آینده بحران نقش‌آفرینی زیادی می‌کنند. در تحولات یمن، دو عدم قطعیت بحرانی اصلی به چشم می‌خورد که تسلیم یا مقاومت آن‌ها در برابر رقیب، سرنوشت اصلی جنگ را مشخص می‌سازد. در ادامه سعی می‌شود دو عدم قطعیت بحرانی که بر پایه نظر خبرگان نمره بالایی را کسب کرده‌اند، تشریح شوند:

۵-۱. انصارالله

انصارالله اصلی‌ترین کنشگر داخلی یمن است که تحت رهبری عبدالمالک بدرالدین حوثی اداره می‌شود. این گروه در سابق صرفاً یک اقلیت مذهبی بود؛ ولی اخیراً کنترل شمال یمن را تحت اختیار قرار داده و خواستار کسب سهم بیشتری از هرم قدرت سیاسی در کشور شده است. نبردهای اخیر در یمن منجر به تقویت بیشتر مواضع این گروه شده است؛ چراکه خود را به‌عنوان گروهی قوی در ساختار سیاسی یمن مطرح کردند. در حال حاضر جنبش شیعی الحوثی خواهان بازگشت حقوق از دست‌رفته شیعیان، استقلال و عدم وابستگی یمن به غرب و کشورهای منطقه است. برخی عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری جنبش الحوثی نقش داشته‌اند؛ عواملی چون نداشتن مدارس دینی برای شیعیان، آزار و شکنجه و زندانی کردن شیعیان و علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری مراسم شیعیان و توهین به ارزش‌های زیدیه از جمله عوامل داخلی می‌باشند. از سوی دیگر، حضور و نفوذ آمریکا در یمن، که به بهانه مبارزه با تروریسم حضور خود را توجیه می‌کند، از جمله عوامل خارجی در شکل‌گیری این جنبش است. در کنار این عوامل، مبانی اندیشه سیاسی زیدیه در تداوم این جنبش نقش مؤثری ایفا کرده است. بر اساس آموزه‌های مذهب زیدیه، حکومت باید در دست امامان زیدیه باشد. فقر اقتصادی که در مناطق زیدیه نشین در یمن مشاهده می‌شود، تأثیر زیادی در نارضایتی طرفداران این جنبش ایفا نموده است. از طرفی دیگر، دولت‌های غربی و همچنین عربستان از ترس روی کار آمدن دولت اسلامی دیگری در منطقه، خود را وارد جنگ با این جنبش کرده‌اند و درصدد هستند که با همراهی دولت مرکزی، این جنبش را سرکوب کنند. (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

انصارالله همچنین خواهان ایجاد استقلال، ثبات و امنیت در یمن است و مخالف دخالت عربستان و آمریکا در امور داخلی کشور می‌باشد. آن‌ها به دنبال ایجاد تبادلات سیاسی، تجاری و اجتماعی با سایر کشورهای اسلامی و جهانی به‌جز رژیم اسرائیل در چارچوب منافع مشترک

هستند. (راجح، ۱۳۹۳) در بحران کنونی یمن، انصارالله به‌مثابه مهم‌ترین پیشران داخلی از یک‌سو با نیروهای ائتلاف می‌جنگد و ازسوی دیگر، هم‌زمان با طرفداران رئیس‌جمهور مستعفی یمن یعنی منصور هادی و همچنین گروه‌های تکفیری نظیر القاعده و داعش مبارزه می‌کند. این گروه اکنون با قابلیت‌های نظامی، صنایع موشکی و پهپادی و همچنین آموزش‌های جنگی و نبردهای کلاسیک به روند مقاومت خود در برابر ائتلاف عربی موسوم به «طوفان قاطعیت» ادامه داده است و یکی از بازیگران اصلی هرم قدرت سیاسی در آینده کشور یمن خواهد بود. اکنون رهبران حوثی واقف هستند که در صورت عدم کسب جایگاهی مناسب در هرم قدرت در یمن، در آینده ممکن است عربستان و امارات عناصر خود را در قدرت به‌کار بگمارند. از همین روی به‌منظور خنثی‌سازی این مسئله ناگزیر هستند حتی در صورت عدم موفقیت در تشکیل دولت، نمایندگان موردنظر خود را وارد ساختار قدرت کنند.

۵-۲. عربستان سعودی

در شرایط فعلی نیز عربستان سعودی، یمن را به یکی از کانون‌های اصلی درگیری در غرب آسیا مبدل ساخته است. این بحران برای ریاض به یک مسئله حیثیتی تبدیل شده و عقب‌نشینی از آن به‌منزله تسلیم در برابر گروه انصارالله است. تجاوز عربستان سعودی به کشور یمن مطابق با یک سلسله اهداف و انگیزه‌های منطقه‌ای دیرینه آغاز شده است. بر اساس بررسی‌های صورت پذیرفته مهم‌ترین اهداف عربستان جهت حمله به یمن عبارت‌اند از:

۵-۲-۱. سرکوب حوثی‌ها و جلوگیری از تشکیل نظام شیعی

عربستان معتقد است که اقدام نظامی این کشور در یمن به این دلیل صورت گرفت که یک کودتای داخلی علیه نظام طرفدار ریاض در یمن توسط حوثی‌ها صورت گرفته است. ازاین‌رو سعودی‌ها چنین حمله‌ای را گریزناپذیر قلمداد می‌کردند. (Arabnews, 2019) در ابتدا مدعای اصلی مقامات ریاض این بود که به‌واسطه درخواست منصور هادی به‌عنوان رئیس دولت قانونی یمن و تهدید مردم یمن توسط حوثی‌ها، اقدام به تشکیل ائتلاف طوفان قاطعیت و تجاوز به یمن کرده‌اند. در همین رابطه عادل الجبیر می‌گوید: «این حمله در پاسخ به درخواست دولت قانونی یمن آغاز شده و یک حمله محدود جهت محافظت از مردم و دولت مشروع یمن جهت مصونیت از تهدید حوثی‌ها است» (Roberts and Shaheen, 2015)؛ زیرا استان‌های شیعه‌نشین جازان و الشریقه در همسایگی مرز یمن واقع شده‌اند.

از جنبه ایدئولوژیک، بیشتر جمعیت شیعه‌نشین عربستان در جنوب و شرق عربستان در تماس با یمن هستند. آل سعود از زمان شکل‌گیری جنبش شیعیان صعده و متحد شدن قبایل شیعه در استان‌های صعده و عمران، با ظرافت بیشتری این تحولات را پیگیری کرده است. از دیدگاه آل سعود، قدرت‌یابی شیعیان صعده خطر بالقوه‌ای برای وهابیت به شمار می‌رود. به‌خصوص اینکه تشیع مانع بزرگی برای گسترش تفکرات آن‌ها در خاک یمن محسوب می‌شود. علاوه بر این، بحران داخلی یمن ممکن است به این کشور نیز منتقل شود. (همتی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۳۷)

پس از اینکه دولت عربستان با دخالت‌های مستقیم برای سرکوب حوثی‌ها از طریق دولت مرکزی یمن به نتیجه‌ای نرسید، خود دست‌به‌کار شد و با همه توان و قوا به خاک آن کشور لشکرکشی کرد؛ زیرا عربستان سعودی از این مسئله می‌ترسد که روی کار آمدن دولت شیعی در یمن، علاوه بر اینکه منجر به افزایش قدرت ایران در مرزهای جنوبی‌اش می‌شود، خطر سرایت این تحولات به عربستان را به دنبال خواهد داشت. این موضع نشان‌دهنده تأثیر دیدگاه‌های استراتژیک در برخورد عربستان به کشور یمن است. (آل غفو و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۵۹)

عربستان به‌منظور نیل به این هدف خود، حمله به پل‌های ارتباطی، کارخانه‌ها، قایق‌های ماهی‌گیری، اسکله‌های ساحلی، حوزه‌ها و مساجد و مراکز کشاورزی را با هدف نابودی مواد غذایی و کریدورهای توزیع مواد غذایی در مناطق تحت نفوذ حوثی‌ها را در دستور کار قرار داد. (Walsh, 2019: 12) استنباط مقامات ریاض این است که چنین سیاستی در نهایت حوثی‌ها را ناگزیر وارد رویه تسلیم و عدم مقاومت می‌سازد.

۵-۲-۲. مقابله با نفوذ ایران

از زمره رویکردهای محوری ایران، توسعه و تحکیم حوزه و دامنه نفوذ و کنشگری در جغرافیای برون‌سرزمینی به‌ویژه در مناطقی است که عموماً به‌مثابه عمق راهبردی رقبای منطقه‌ای تعریف شده است. نفوذ در چنین مناطقی و اقدام به هم‌پیمان‌سازی با گروه‌های فراملی و فراملی قدرتمند، ایران را قادر می‌سازد در چانه‌زنی‌های سیاسی و امنیتی در منطقه غرب آسیا از موقعیت و جایگاه به مراتب بهتری برخوردار گردد. متعاقب شروع بحران یمن، ایران به حمایت از جنبش انصارالله پرداخت و تهاجم عربستان به خاک یمن را محکوم نمود. همین مسئله باعث شد که محافل سیاست‌گذاری غربی و عربی حوثی‌ها را نیروی سازمان یافته‌ای قلمداد کنند که به نیابت از ایران به کنشگری می‌پردازند. (karakir, 2019: 121)

مقامات سعودی بر این اعتقاد هستند که سرکوب کردن و انزوای هرچه بیشتر حوثی‌ها، به صورت توأمان هم منجر به عقب‌نشینی ایران خواهد شد و هم خطر تشکیل دولت توسط حوثی‌ها در یمن را از بین خواهد برد. خطر افزایش نفوذ ایران در حیط خلوت عربستان جدی است و این مسئله آن‌ها را به شدت نگران ساخته است. با وجود اینکه مقامات ایرانی بر این اعتقاد هستند که یمن اولویت استراتژیک آن‌ها نیست، اما عربستان سعودی روند قدرتمندی حوثی‌ها و دستیابی آن‌ها به سلاح‌های پیشرفته جهت ایستادگی و مقاومت در برابر حملات بی‌وقفه خارجی را در ارتباط مستقیم با ایران می‌داند. (20: 2018, international crisis group) لذا سعودی‌ها سرکوب حوثی‌ها را ترجمانی از توقف روند صعودی نفوذ ایران در جنوب شبه جزیره عربستان می‌دانند و درخواست منصور هادی مبنی بر مداخله عربستان سعودی به نوعی دستاویز اقدامات آن‌ها قرار گرفته است. (yinglun,2019)

۳-۲-۵. نگرانی از محاصره جغرافیایی

مسئله دیگری که مرتبط با طرح مقابله با شیعیان و نفوذ ایران در یمن می‌باشد، هراس ریاض از محاصره جغرافیایی توسط هلال شیعی است. قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن، عربستان را در محاصره کمر بند شیعی و تنگنای ژئوپلیتیکی قرار می‌دهد و توان، ظرفیت و نیز اهرم‌های اعمال فشار ایران بر عربستان و متحدان منطقه‌ای آن کشور را افزایش خواهد داد. این امر بدون تردید برای عربستان قابل تحمل نخواهد بود. (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۵) در صورت پیروزی و تسلط کامل انصارالله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت در کنار حضور پیش‌تر ایران در کشورهای عراق، سوریه و لبنان، در منطقه شکل می‌گیرد و این امر به معنی محاصره کامل عربستان توسط شیعیان است. (هاشمی‌نصب، ۱۳۸۸: ۲۹۱-۲۹۰)

۴-۲-۵. تسخیر مناطق راهبردی یمن

واقع شدن دو کشور یمن و عمان در جنوب شبه‌جزیره عربستان از دیرباز رهبران عربستان سعودی را دچار نوعی نگرانی و احساس ضعف جغرافیایی کرده است؛ چرا که ارزآوری خارجی این کشور مبتنی بر تولید نفت از میادین شرقی این کشور است که وابستگی زیادی به عبور از تنگه هرمز دارد و یا اینکه انتقال خطوط نفت به وسیله خطوط شرق به غرب تنها با صرف هزینه‌های هنگفت میسر می‌شود. این در حالی است که تنگه هرمز تحت کنترل ایران است و تا قبل از بحران نیز تنگه باب‌المندب تحت نفوذ حوثی‌ها قرار داشت. لذا تهدیدهای ادواری ایران مبنی بر مسدودسازی تنگه راهبردی هرمز، که بخش اعظم انرژی عربستان از این تنگه به بازارهای جهانی صادر

می‌شود، و کنترل باب‌المنذب به‌وسیله نیروهای نیابتی ایران، منجر به این مسئله شده که عربستان در تلاش جهت پیدا کردن مسیرهای جدیدی برای صادرات انرژی به بازارهای جهانی باشد. اولین هدف عربستان تصرف استان حضرموت است؛ تصرف این شهر می‌تواند تنگنای جغرافیایی این کشور مبنی بر عدم دسترسی به آب‌های آزاد دریای عرب و خلیج عدن را شکسته و با دسترسی به بندر مکلا به‌عنوان مرکز استان حضرموت موقعیت ویژه‌ای جهت دسترسی به کریدورهای واردات و صادرات کالا پیدا کند. جالب توجه آنکه در اوج بحران یمن و در حالی که عربستان بخش‌های غربی این کشور را تحت هدف حملات هوایی قرار می‌داد، هم‌زمان در استان حضرموت و بندر مکلا و دیگر شهرهای و روستاهای این استان اقدام به توزیع بسته‌های غذایی، دارویی و آبرسانی به‌وسیله تانکرهای غول‌پیکر می‌کرد. (Reliefweb, 2019) البته چشمداشت سرزمینی عربستان به یمن شامل استان المهره، تسلط بر بندر نشطون و جزیره راهبردی میون نیز می‌شود. عربستان قصد دارد جزیره میون را در اختیار گرفته و با احداث یک پایگاه نظامی در این جزیره، خلیج عدن، باب‌المنذب و دریای سرخ را تحت رصد و دیده‌بانی خود بگیرد. با این اوصاف مشخص می‌گردد که جنگ کنونی عربستان در یمن انگیزه‌های صرفاً دینی ندارد، اگرچه عوامل مذهبی در تهاجم عربستان به یمن بی‌تأثیر نیست ولی دلیل اصلی راه انداختن جنگ علیه یمن، به ارزش استراتژیک یمن بازمی‌گردد. (Cote, 2017: 3)

۶- یافته‌های پژوهش: تشریح سناریوهای جایگاه آینده یمن در معادلات منطقه

بدیل‌آفرینی و در نظر گرفتن وضعیت‌های مختلف فراروی آینده کشور یمن در تحولات منطقه یک رویکرد اجتناب‌ناپذیر است. اساساً یک آینده محتوم و قطعی را نمی‌توان برای این کشور در نظر گرفت و لذا هر احتمالی وجود دارد. به‌طور کلی در این خصوص می‌توان چهار سناریو را ترسیم کرد. سناریوی اول و دوم حاصل از تقاطع دو عدم قطعیت پیروزی انصارالله و کمیته‌های مردمی یمن و شکست ائتلاف عربی- غربی را می‌توان سناریوی یمن مستقل و سناریوی اتحاد با جبهه شرقی- اسلامی (جبهه مقاومت) ترسیم نمود. سناریوهای سوم و چهارم نیز که از تقاطع و برهمکنش دو عدم قطعیت پیروزی ائتلاف عربی- غربی و شکست انصارالله و کمیته‌های مردمی به‌دست آمده را می‌توان سناریوی انزوای یمن در معادلات منطقه‌ای و اتحاد با جبهه سلفی- غربی (یمن ضعیف شده و تحت قیمومیت) ترسیم نمود. در ادامه سناریوهای بدیل و چندگانه تشریح می‌گردد:

۶-۱. سناریوی اول: یمن مستقل

ایفای نقش به‌عنوان یک کشور مستقل در شبه‌جزیره عربستان، منطقه غرب آسیا و همچنین عرصه فرمانطقه‌ای، یکی از آرزوهای دیرین مردم یمن بوده است. این سناریو ناظر بر وضعیتی است که جناح‌های مختلف یمنی ضمن کنار گذاشتن اختلافات داخلی و نبرد مسلحانه خود در طی این چند دهه، به سطحی از خودآگاهی ملی برسند که سرنوشت یمن به‌عنوان یک کشور واحد، بیش از مطامع انحصاری و گروهی در نزد آن‌ها اهمیت یابد.

تحقق این سناریو بستگی به وحدت ملی همراه با مقاومت و عدم تسلیم در برابر توطئه‌های خارجی دارد که منجر به عقب راندن مداخله‌گران و متجاوزان به قلمرو ارضی یمن می‌گردد. در این صورت لازم است گروه‌های مختلف یمنی با وحدت فراگیر ملی، قانون اساسی را بازنویسی کرده و نقشی محوری برای مشارکت تمام گروه‌ها در قدرت و مناصب حکمرانی در نظر گرفته و ارتش واحدی از تمام جناح‌ها شکل بگیرد و سازمان ملل متحد نیز این وضعیت مطلوب را به رسمیت بشناسد. در این صورت عملاً وحدت و قدرتمندی داخلی یمن منجر به افزایش چانه‌زنی آن در مهم‌ترین نهاد بین‌المللی یعنی سازمان ملل می‌گردد. تحقق این سناریو تسلط یمن بر بندرها، جزایر و تنگه‌های جنوبی و همچنین مرزهای زمینی با عربستان را تثبیت می‌کند و به مرور زمان روند بازسازی یمن و توسعه اقتصادی، فرهنگی و امنیتی این کشور نیز شروع می‌شود و در بلندمدت این کشور حائز نقش مهمی در معادلات منطقه‌ای می‌گردد.

۶-۲. سناریوی دوم: اتحاد با جبهه شرقی - اسلامی (ارتقای جایگاه منطقه‌ای)

یکی از سناریوهای مهم و قابل تأملی که در خصوص آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه می‌توان به آن توجه داشت، ارتقای جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای است. این سناریو ناظر بر وضعیتی است که در گام اول، میان جریان‌های داخلی یمن بر سر منافع ملی و لزوم حفظ تمامیت ارضی، نوعی تفاهم ایجاد شده باشد و در یک جبهه واحد علیه گروه‌های تروریستی نیابتی و جبهه مهاجم خارجی مبارزه کنند. محور مقاومت اسلامی و جبهه شرقی همسو با این محور، شامل روسیه و چین با توجه به اهمیت حفظ یمن و کسب نتیجه‌گیری حداکثری و جلوگیری از تسلط جبهه رقیب بر موقعیت‌های راهبردی یمن، نظام اتحاد و ائتلاف را حیاتی دانسته و در یک تعریف کار عملیاتی ضمن محکومیت مقاصد توسعه‌طلبانه کشورهای غربی و رژیم‌های عربی، اجازه انزوای یمن را نمی‌دهند.

گروه‌های یمنی نیز با اتحاد با جبهه اسلامی و شرقی و با بازنویسی قانون اساسی، به‌صورتی فراگیر اهمیت زیادی برای مشارکت تمامی گروه‌ها و سهیم شدن آن‌ها در هرم قدرت قائل

می‌شوند. اتحاد سرتاسری در یمن به همراه کمک ائتلاف اسلامی و شرقی در میان مدت منجر به عقب‌نشینی جبهه عربی و غربی گردیده، مردم یمن تحت چنین شرایطی مجدداً بر بنادر، جزایر و تنگه‌های راهبردی خود مسلط می‌شوند و اجازه تنش‌آفرینی و توطئه عناصر خارجی را نمی‌دهند. ادامه چنین وضعیتی منجر به ارتقاء جایگاه یمن در معادلات منطقه غرب آسیا شده و این کشور قادر خواهد بود به‌عنوان یک واحد ملی و بین‌المللی دارای استقلال، با حفظ تمامیت ارضی و با موقعیت فوق‌العاده راهبردی، از قدرت چانه‌زنی زیادی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا و شبه‌جزیره عربستان و نهایتاً در سطح جهانی برخوردار باشد.

۶-۳. سناریوی سوم: انزوای یمن در معادلات منطقه‌ای

از جمله سناریوهای دیگری که برای آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای می‌توان مطرح ساخت، پدیدار شدن وضعیتی است که این کشور در شکنندگی، ضعف و انزوای کامل قرار گیرد. انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی یمن، یکی از اهداف رژیم عربستان و آمریکا است که درصدد به قیومیت درآوردن این کشور هستند. انزوای یمن باعث می‌گردد که در مقابل توطئه‌ها و تجاوزهای خارجی قادر به دفاع از منافع و موجودیت سرزمینی خود نباشد. تلاش کشورهای غربی و رژیم‌های منطقه‌ای ضد یمنی، نظیر عربستان و اسرائیل، به‌منظور استمرار سناریوی جنگ در یمن منجر به کاهش نقش این کشور در آینده تحولات منطقه می‌شود. با توجه به اینکه راهبرد ائتلاف عربی - غربی در گام اول انزوای کامل یمن در سطح منطقه و سطح جهانی است، تقسیم کار مشترکی بین این ائتلاف و حامیان آن برای پیشبرد این راهبرد صورت گرفته است. هم‌زمان با برقراری وضعیت بی‌ثباتی در یمن و جنگ داخلی و تحریک شورش‌های جدایی‌طلبانه، تحریم شدیدی علیه این کشور توسط رژیم‌های سازش‌کار عربی نظیر عربستان، امارات متحده عربی، مصر و کنشگران فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه شروع شده و کشور عربستان سعودی مهم‌ترین جزیره مشرف بر تنگه باب‌المندب، یعنی جزیره پریم یا میون را تسخیر نموده است و هرچند این جزیره جزء خاک یمن است، اما به دلیل ضعف مفرط این کشور، عربستان اداره امورات آن را عهده‌دار شده و اجازه مداخله دولت مرکزی یمن را در این جزیره راهبردی نمی‌دهد. این کشورها در تقسیم‌کار دیگری، بنادر مهم عدن و مکلا را با اعمال زور و با بهانه اجاره کردن از دولت مرکزی یمن در اختیار گرفته‌اند و عملاً کنترل عبور و مرور در خلیج عدن را تحت نظر دارند. از سوی دیگر، امارات متحده عربی نیز به تنهایی جزیره سقطری را تسخیر نموده و کارمندان محلی دولت یمن را اخراج کرده و نیروهای وفادار به خود را در آن مستقر نموده و هم‌زمان

پیشرفته‌ترین و آماده‌ترین یگان‌های آماده به رزم خود را در این جزیره پیاده ساخته است. در آن سوی تنگه باب‌المندب، اسرائیل، آمریکا، فرانسه و انگلیس نیز در یک تقسیم‌کار و به‌منظور اشراف بیشتر بر دریای سرخ، جزایر زقر و حنیس را تحت کنترل خود قرار داده‌اند و عبور و مرور کشتی‌ها در دو سوی جزایر را دیده‌بانی می‌کنند.

در صورت تحقق چنین سناریویی، متحدان یمن به‌ویژه ایران به دلیل مشکلات اقتصاد داخلی، فاصله زمانی و مکانی زیاد با یمن و مشکلات ناشی از تردد دریایی و هوایی جهت ارسال کمک‌های مستشاری و تسلیحات به یمن، نفوذ خود را به‌تدریج از دست می‌دهند. روسیه از زمره کشورهایی است که نقشی ابهام‌آمیز ایفا می‌کند و به دلیل حمایت اندک و اقدامات سیاسی و عملیاتی دیرهنگام در راستای حمایت از کشور یمن به‌عنوان یک واحد مستقل و غیرمستعمره و عدم مقابله با طرح‌های عربی - آمریکایی علیه یمن، چه در شورای امنیت و چه در موقعیت‌های عملیاتی، به مانند لیبی در شاخ آفریقا، عملاً روزه‌های نفوذ خود در یمن و آب‌های گرم جنوب شبه‌جزیره عربستان را از دست می‌دهد. این وضعیت در عرصه معادلات خارجی به نفع کشورهای غربی و علیه منافع کشورهای شرقی نظیر ایران، روسیه و چین خواهد بود. در عرصه داخلی نیز با تشدید ناآرامی‌ها و تحریم‌های شدید خارجی، شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خیمی در یمن پیش می‌آید که ضرر اصلی را مردم یمن متحمل خواهند شد.

۶-۴. سناریوی چهارم: اتحاد با جبهه سلفی - غربی (یمن ضعیف شده و تحت قیمومیت)

در خصوص این سناریو باید بیان داشت یکی از اهداف محوری و بدیهی کشورهای مهاجم نظیر عربستان و آمریکا، این است که نگاهی نو استعماری و فزون‌خواهانه به یمن دارند. به نظر می‌رسد که این کشورها خواهان وضعیتی در یمن هستند که به لحاظ قدرت تضعیف شده باشد و یک فرد وابسته به خود را در رأس هرم قدرت قرار دهند. این سناریو ناظر بر وضعیتی است که در عرصه داخلی جناح‌های مهم و برجسته یمنی نظیر حزب اصلاح، جنبش حراک، حزب تجمع ملی و حوثی‌ها موفق به همگرایی نشده و عملاً منافع گروهی را بر منافع ملی ترجیح دهند و از این رو به‌جای مصالحه، عملاً منازعه بین گروهی را در پیش بگیرند. از جانب دیگر، چنانچه حراک جنوبی، به‌عنوان جنبشی دارای طرفدار، در جنوب یمن با گروه‌های تروریستی داعش و القاعده در استان‌های حضرموت به توافق‌های تاکتیکی برسند و با پشتوانه کمک‌های تسلیحاتی امارات، عربستان و آمریکا، در یک جبهه واحد عملیات و اقدامات خود علیه حوثی‌ها را تشدید کنند، این مسئله باعث می‌شود که آمریکایی‌ها و سعودی‌ها چنین مسئله‌ای را به‌مثابه یک فرصت تاریخی

مغتنم شمرده و هم‌زمان با حمله علیه حوثی‌ها، تقویت جریان‌های تروریستی را نیز به‌عنوان یک کارت بازی و به‌صورت ابزار در دستور کار قرار دهند.

گام بعدی جبهه عبری، عربی و غربی نیز تشکیل نظام حکمرانی در یمن متناسب با الگوهای اختلاطی سلفی و غربی است. روی کار آمدن نظام وفادار به غرب و عربستان در یمن، این جبهه را قادر می‌سازد عملاً این کشور را تحت سیطره خود در بیاورند و افراد و گمارده‌های منصوب‌شده در حکومت جدید، مدافع و پیگیر منافع استراتژیک آن‌ها باشند. تحت چنین شرایطی، کشور یمن حتی اگر به‌صورتی اندک نیز قادر به نقش‌آفرینی در معادلات منطقه‌ای باشد و یا اینکه نقش این کشور نیز ارتقاء یابد، اما علیه جبهه مقاومت اسلامی و کشورهای ناهمسو با جبهه عبری، عربی و غربی خواهد بود؛ چراکه اقدام بعدی کشورهای این جبهه پس از قیومیت یمن، سرکوب کردن بیشتر جریان‌های حوثی و حرکت‌های ملی‌گرایانه خواهد بود و عملاً در قانون اساسی که بازنویسی خواهند کرد، جایگاهی برای گروه‌های داخلی ناهمسو لحاظ نخواهند کرد. از این‌رو، کشور یمن در نظام جدید، دیدگاهی مثبت و مناسبات مطلوبی با جبهه مقاومت اسلامی نخواهد داشت.

باید بیان داشت که ذیل این سناریو، یمن عملاً مستعمره این جبهه خواهد گردید. این محور نیز به توسعه اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، زیست‌محیطی و صنعت توریستی این کشور توجهی نخواهد داشت و همان‌گونه که بیان شد، کشوری ضعیف و توسعه‌نیافته مطلوب‌ترین وضعیتی است که منجر به تداوم حضور آن‌ها و دست‌اندازی به ثروت‌های طبیعی، بنادر، جزایر و شهرهای راهبردی یمن می‌گردد. با این نظر، سناریوی مستعمره‌سازی یمن و روی کار آمدن نظامی همسو و پدیدار شدن وضعیت کاپیتولاسیون در این کشور، منجر به تضعیف بیش‌ازپیش جایگاه یمن در معادلات منطقه غرب آسیا و کاهش قدرت چانه‌زنی کشورهای شرقی و اسلامی متحد آن می‌گردد. از این‌رو، این سناریو برای کشور و مردم یمن، کنشگران شرقی و اسلامی نامطلوب بوده و برای جبهه ضد یمنی مطلوب و مرجح است.

نتیجه‌گیری

مناطق و گستره‌های استراتژیک هنوز هم از اهمیتی ویژه برخوردارند و همواره تاریخ‌ساز و البته منازعه‌ساز نیز بوده‌اند. موقعیت استراتژیک یمن در طول تاریخ منجر به تحمیل شدن جنگ‌های خارجی زیادی علیه این کشور شده است. به دلیل همین موقعیت ژئوپلیتیک است که کشورهای بزرگ و پیشرفته صنعتی توجه ویژه‌ای به جایگاه استراتژیک یمن دارند. پژوهش حاضر بر اساس روش عدم قطعیت‌های بحرانی و پنل خبرگانی، درصدد پاسخ به این سوال است: چه سناریوهایی

را می‌توان برای جایگاه یمن در آینده‌ی معادلات منطقه‌ی غرب آسیا ترسیم کرد؟ آینده جایگاه یمن در غرب آسیا تحت تأثیر مستقیم بحران اخیرالوقوع است. به تعبیری، قدرتمندی یا انزوای این کشور و ایفای نقش در قالب یک کنشگر مستقل، از سرنوشت نهایی این بحران تأثیر می‌پذیرد. بر اساس نظر خبرگان، عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر جایگاه یمن در آینده را می‌توان شامل بازگشت دولت مستغفی و فراری منصور هادی به قدرت، تسلط القاعده و سلفی‌های تکفیری بر یمن، امتداد جنگ داخلی و تجزیه یمن، پیروزی ائتلاف عربی - غربی با محوریت عربستان، پیروزی انصارالله و کمیته‌های انقلابی یمن و دخالت شورای امنیت سازمان ملل و آتش‌بس برشمرد. در وهله بعد، جهت نگاشت سناریوها، دو پیشران اصلی که بیشترین اهمیت و عدم قطعیت را داشتند، انتخاب گردید. پیروزی یا شکست انصارالله و پیروزی یا شکست ائتلاف عربی - غربی، در کنار اینکه سرنوشت بحران را تعیین می‌کند، جایگاه یمن در آینده منطقه‌ی حوزه غرب آسیا را مشخص می‌سازد.

پس از شناسایی عدم قطعیت‌ها از طریق پرسشنامه خبرگانی و محاسبه آن‌ها و از برهمکنش وضعیت‌های دوگانه هر یک از عدم قطعیت‌ها، چهار سناریو در خصوص سناریوهای آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای تشریح و تبیین گردید. این چهار سناریو شامل انزوای یمن در معادلات منطقه‌ای، اتحاد با جبهه شرقی - اسلامی (ارتقای جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای)، اتحاد با جبهه سلفی - غربی (یمن ضعیف شده و تحت قیمومیت) و یمن قدرتمند و مستقل از مداخله کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ارائه شده است. سناریوهای جایگاه منطقه‌ای این کشور در آینده غرب آسیا، برای هر کدام از کنشگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دو دسته مطلوب و نامطلوب قرار می‌گیرند. هر کدام از این کنشگران سعی بر آن دارند مسیر روندهای کشور را به سمت سناریوی مرجح خود یا متحدان راهبردی در غرب آسیا سوق دهند. در این میان، ایران نیز نمی‌تواند نسبت به تحولات یمن غفلت کند؛ اگر اهمیت یمن برای ایران بیشتر از کشور سوریه نباشد، بدون تردید کم‌تر از آن نیست؛ چرا که تسلط بر بنادر، جزایر، خلیج‌ها و همچنین تنگه باب‌المنندب توسط دشمنان ایران، عملاً تجارت دریایی و صادرات انرژی و واردات کالا از مبدأ به مقصد و بالعکس را برای این کشور وارد مقوله آسیب‌پذیری راهبردی خواهد نمود؛ زیرا تسلط رقبا بر کشور یمن و به دنبال آن کنترل تنگه باب‌المنندب و دایر نمودن خطوط لوله جدید به بنادر جنوبی یمن، تنگه هرمز را تا حد زیادی بلااستفاده خواهد نمود و این بار این کشورها خواهند بود که تهدید به بستن تنگه باب‌المنندب می‌کنند؛ لذا کاهش نفوذ ایران در یمن و تقویت موقعیت دشمنان در این حوزه، قدرت چانه‌زنی سیاسی ایران را به طرز قابل‌توجهی کاهش خواهد داد و از سوی دیگر تحت شرایطی که مناسبات با کشور ترکیه جهت استفاده از خاک این کشور به‌منظور

صادرات کالا چندان مطلوب نیست، و همچنین امکان دایر نمودن خط لوله از عراق و سوریه به سواحل مدیترانه به لحاظ امنیتی به صلاح نباشد، ایران مجبور می‌شود با صرف زمان و متقبل شدن هزینه‌های هنگفت و خطرات دریانوردی، از مسیر دماغه امیدنیک در جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا به صادرات و واردات اقدام کند. از این رو سیاست‌گذاران در مسائل راهبردی ایران، با تجسم و تدوین بدیل‌های مختلف آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای، به منظور بسترسازی جهت عدم غافلگیری و آسیب‌پذیری استراتژیک و جلوگیری از خدشه به منافع ملی خود را مهیا می‌سازند.

References

- Ale-Ghafour, Seyyed Mohsen, Kazemi, Ehsan and Mousavi Dehmourdi, Seyed Mohammad (2015): "Explanation of Strategic Rivalry between Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in Yemen", Journal of Foreign Policy, Summer, Volume 29, Issue 2, Serial Number 114, PP. 145-167. (In Persian)
- Alizadeh, Aziz and et al. (2008): Scenario planning or planning based on scenarios, Tehran: Ati Negar Publications. (In Persian)
- Attari, Maziar, Taati, Mahkameh, Alamdari, Shahram and Bahrami, Mohsen (2014): Futuristic Methods, Tehran: Roish Publishing. (In Persian)
- Bell, wendel (2011): Foundations of Futures Studies: Volume (1) History, Purposes, and Knowledge (Human Science for a New Era Series), 1st Edition, London: Routledge
- Dobson, Richard (2002): "International co-operation to improve safety of navigation in the southern red sea", international hydrographic review, vol. 3. No. 2.
- Dorj, Hamid, Aghaei, Seyyed Davoud (2018): "The strategic position of Yemen in foreign policy and security", Studies of International Relations Journal, Winter, Volume 10, Issue 40, Serial Number 40, PP. 39-68. (In Persian)
- Emadi, Seyyed Razi (2016): Federalization of Yemen; Actors Positions and Consequences (Strategic Report), tabyin center for Strategic studies. (In Persian)
- Ezzati, Ezatullah (2001): Geopolitics of the 21st Century, Tehran: Samat. (In Persian)
- Faizi, Mohammad Mohsen (2017): Options for the Haraq Movement in Yemen (Strategic Report), tabyin center for Strategic studies. (In Persian)

- Groucutt, huw and petraglia, Michael (2012): “The prehistory of the arabian peninsula: deserts, dispersals, and demography”, evolutionary anthropology, May/June, Volume 21, Issue 3, PP. 113-125.
- Haghshenas, mohammad reza, Mousavi Shafae, Seyed Masoud, sajadpour, mohammed kazem and shariati nia, mohsen (2017): “Geopolitical Competitions and Iran-Saudi Relations: Mechanisms and Strategies”, Quarterly Journal Political Studies of the Islamic World, Summer, Volume 6, Issue 2, Serial Number 22, PP. 1-31. (In Persian)
- Harati, Muhammad Javad (2013): “Middle East Recent Developments and Future of Islamic Rrevolution of Iran Discourse”, A Quarterly Journal of World Politics Summer, Volume 1, Issue 2, Serial Number 2, PP. 233-269. (In Persian)
- Hashemi Nasab, Saeed (2009): “Conference on Recent Developments in Yemen”, Quarterly Journal of Regional Studies, Summer and autumn, Volume 2, pp. 280-300. (In Persian)
- International crisis group (2018): “Iran’s priorities in a turbulent middle east”, middle east report, No.184.
- Jahantikh, Reza, Farajirad, Abdoreza, sayari, habibolas and Sarvar, Rahim (2016.): “The Study of Yemen`S Geopolitical Capacities in Rapid Development of the International System”, journal of Regional Planning, Journal of Zonal Planing, Volume 6, Issue 23, PP. 237-248. (In Persian)
- kam, Ephraim (2018): Iran-russia-syria: a threefold cord is not quickly broken, Institute for national security studies.
- karakir, Ierm askar (2018): “Ongoing conflict in yemen: a proxy war”, tesam akademi dergisi–turkish journal of tesam academy, temmuz, Vol. 5, No. 2, pp. 121-149.
- Kardan, Abbas (2011): “A Look at Islamist Processes and Currents in Yemen”, In; The Middle East (8), Especially Islamism and Islamic Awakening in the Middle East, By: a group of authors, Tehran: International Studies & Research Institute of Abrar Moaser. (In Persian)
- karoline, par (2001): Postel-vinay; géographie et pouvoir, critiqueinternationale, janvier.
- katzman, Kenneth (2011): bahrain: unrest, security, and u.s. policy, congressional research service, CRS Report 95-1013.
- lewis, martin (2015): Troubled socotra–the world’s most alien place–seeks autonomy, geocurrents, available at: [http://www. Geocurrents. Info/geopolitics/autonomous-zones/troubled-socotra-the-worlds](http://www.Geocurrents.Info/geopolitics/autonomous-zones/troubled-socotra-the-worlds).

- Manzavi, Massoud (2010): Scenario Planning Guide: Strategy Building in Uncertainty, Tehran: Defense Science and Technology Futures Research Center Publication. (In Persian)
- Masoud Nia, Hossein and Tavasoli, hossein (2013): "Evaluating of Shia's Movement of al-howzi in Yemen", A Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Autumn, Volume 1, Issue 3, Serial Number 3, PP. 125-142. (In Persian)
- Mokhtari Hashi, Hossein and Shams, Mojtaba (2017): "Geopolitical Analysis of Yemen Crisis", Journal of Research Political Geography, Spring, Volume 2, Issue 1, Serial Number 5, PP. 165-193. (In Persian)
- Oakford, samuel and salisbury, peter (2016): yemen: the graveyard of the obama doctrine theatlantic, at:<https://www.theatlantic.com/international/archive/2016/09/yemen-saudi-arabia-obama-riyadh/5013>.
- peterson, j.e. (2008): The al-huthi conflict in yemen, at: Arabian peninsula,<http://www.jepeterson.net>.
- Raviran, Hossein (2018): "Who is Abdul Malik Al-Houthi", Pasdare-Eslam Magazine, Volume 37, Number 437-438, PP. 72-73. (In Persian)
- reliefweb (2019): saudi arabia supplies 40 water tankers to seven yemeni governorates, available at:<https://reliefweb.int/report/yemen/Saudi-arabia-supplies-40-water-tankers-seven-yemeni-governorates>.
- Roberts, dan and shaheen, kareem (2015): saudi arabia launches yemen air strikes as alliance builds against houthi rebels, available at: <https://www.theguardian.com>.
- Sayah Mofazali, Ardeshir and Asadi, Alireza (2016): "A review of theoretical foundation and key concepts of futures studies regards to development of implementation framework of Futures Studies", urnal of Future Management Studies, Winter, Volume 26, Issue 102, PP. 15-26. (In Persian)
- van damme, kay and banfield, lisa (2011): "past and present human impacts on the biodiversity of socotra island (yemen): implications for future conservation, biodiversity conservation in the arabian peninsula zoology in the middle east", supplementum 3, PP. 31-88.
- walsh, Declan (2018): "Tragedy of saudi arabia's war", the new york times report.
- yinglun, shi (2019): saudi-led coalition downs drone over yemen's hadramout: official,available at: <http://www.xinhuanet.com>.